

## بسم الله الرحمن الرحيم!

### دولت‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی خدمت‌گزار کفارند!

#### (ترجمه)

الله سبحانه وتعالی دین اسلام را نازل نموده تا ارتباط انسان را با پروردگارش، خودش و با دیگران تنظیم نماید. بدین ترتیب، الله سبحانه وتعالی کلیه مشکلات انسان را با یک مبدء/اصلی که شامل عقیده بوده و نظامی از آن سرچشمه می‌گیرد، تنظیم کرده است؛ طوری که ارتباط انسان با خالقش را در قالب عقائد و عبادات نمایش داده، ارتباط انسان با دیگران را در معاملات و عقوبات و ارتباط انسان با خودش را در مطعومات، ملبوسات و اخلاقیات تمثیل کرده است. پس الله سبحانه وتعالی برای حصول اطمینان از تطبیق و تداوم این معالجات بالای بندگان خود تأسیس یک نهاد اجرایی را فرض کرده است تا این معالجات را تطبیق و ادامه داده، از تبدیل و تحریف آن را در حفاظت داشته و پیامش را به جهانیان برساند. این نهاد در قالب یک دولت مبدئی نمایش داده شده است که مبدء را منحصیث عقیده و نظام محکم گیرد. پس دولتی اسلامی را که رسول الله صلی الله علیه وسلم تأسیس کرده بود، بهترین مثال از یک دولتی مبدئی است که مبدء اسلام را در امور زندگی داخلی تطبیق نموده و آن را توسط دعوت و جهاد به خارج حمل کرد و سیزده قرن دوام پیدا کرد تا اینکه مسلمانان در تمسک به این مبدء منحصیث یک نظام که مشکلات آنها را حل کند تساهل و کوتاهی کردند، در نتیجه دولت اسلامی به تضعیف گرائید و سپس به دست مزدوران و کفار سقوط داده شد.

پس از اتفاقی که برای دولت اسلام پیش آمد، کافران غربی در سرزمین‌های اسلامی نظام‌های تابع و مزدورانی را ایجاد کردند که هیچ ارتباطی با عقیده و نظام امت نداشتند. این نظام‌ها برای حصول اطمینان از یک خطر متصور که اصل اسلام در قالب یک دولت مبدئی باز نگردد، ایجاد گردید. همچنین این دولت‌ها را به عنوان پاداش برای آن دسته از مزدورانی ایجاد کردند که از ملت و مبدء خود تنفر دارند. این طبقه مزدور نزد اربابان خویش شایسته‌ترین کسانی‌اند که باید در قدرت بمانند. از این میان دولت شاهی آل سعود و جمهوری ایران نمونه بارزی از وابستگی و خیانت می‌باشند.

دولت شاهی آل سعود که توسط انگلیس تأسیس گردید و همچنین مشابه با آن نهاد یهود را در سرزمین فلسطین ایجاد کرد. دولت شاهی آل سعود هم‌زمان با ایجادش، دشمنی را با امت و مبدء خویش آغاز کردند؛ طوری که با دولت‌های کافر در جنگ و شورش به ضد دولت اسلامی در دوران خلافت عثمانی همکاری کرد تا این‌که نابود شد. در آغاز با وجودی که با لباس اسلام ظهور کرد؛ اما از خیانت با اسلام دست بر نداشت تا اینکه قدرت‌اش پایدار گردید؛ پس از آن هرگونه قیام و اعتراض بر خود را به این دلیل که ولی‌الامراند ممنوع ساخت. در این تعجب‌آمیز، انسان‌های ساده لوحی یافت می‌گردد که این مفکوره را در ذهن برخی از افراد نادان جایگزین می‌دارند! و اما دولت شاهی کنونی آل سعود از امریکا تبعیت دارد و پلان‌های آن را تطبیق می‌کند؛ از جمله: در یمن پلان عملیاتی آن به نام "طوفان قاطع" را به فرمایش امریکا

روی دست دارد که این خیانت همانند گذشته پیروانی را دارد و ما امروز شاهدیم که بعد از پنجمین سال تطبیق "طوفان قاطع" با حمایت از حوثی‌ها و تضعیف مزدوران انگلیس، نفوذ آمریکا را افزایش داد.

همچنین بر کسانی که موقف آل سعود در خصوص فلسطین را دنبال می‌کنند، پوشیده نخواهد بود که از یهود حمایت کرده و پلان‌های آمریکا را تطبیق می‌کند؛ چنانچه ولی عهد سعودی محمد بن سلمان در روزنامه "دی آتلانتیک امریکائی" اظهار داشت: «مردم یهود حق دارند که در کنار دولت ملی خویش و یا در برخی از اراضی اجدادی خویش زندگی نمایند و هر ملت حق دارد تا در سایه صلح و آرامی زیست نمایند.» اظهارات ابن سلمان بیانگر حقایقی است که مدت‌ها در پشت صحنه باقی مانده بود. او افزود: حاکمان آل سعود هیچ‌گاه با دشمنان این امت دشمن نبوده؛ بلکه آن‌ها خودشان علیه امت و قضایای امت رزمیده‌اند. اگرچه حاکمان آن در مزدوری برای بریتانیا در یک زمان و برای آمریکا در زمان‌های دیگر متفاوت بوده‌اند؛ اما در موضوع خیانت به امت و خدمت به دشمنان امت و اجرای برنامه‌های آنان؛ حتی اگر به قیمت جان مسلمانان و سرقت ثروت و تخریب خانه‌های امت شود، اتفاق دارند.

همچنین کسانی که سیاست‌های جمهوری ایران را دنبال می‌کنند، می‌دانند که واقعیت آن چندان تفاوتی از واقعیت آل سعود ندارد که هر دو در مبارزه با اسلام برابراند؛ طوری که ایران در قضایای منطقه با سیاست‌های آمریکا مساویانه حرکت دارد و ایران نقطه مرکزی سیاست آمریکا در منطقه محسوب می‌گردد. آمریکا بالای ایران در امور عراق، سوریه، یمن، افغانستان و لبنان و غیره کشورها اعتماد دارد، این امر بر دنبال‌کنندگان امور ایران خیلی روشن است. چنانچه رهبران ایرانی چندین مراتب از همکاری ایران با آمریکا چنین اعتراف کرده‌اند که ایران بود که زمینه را برای اشغال افغانستان و عراق مساعد ساخت. آنچه از مقاومت شعار سر می‌دهند، شعارهای دروغین و میان‌تهی‌ای بیش نمی‌باشد. طوری که در لبنان حزبی را از پیروان مذهب خویش ساخته و آنان را مسلح ساخت، از آنان ارتشی جدا از ارتش دولت لبنان تشکیل شده است. دولت لبنان این حزب را همراه با افراد و سلاح آن به رسمیت شناخته است، دیگر هیچ حزبی را چنین رسمیت نداده است؛ باوجودی که می‌دانیم نظام حاکم لبنان یک نظام سکولر می‌باشد که بین آمریکا و فرانسه منقسم است. حزب ایران در لبنان نظام حاکم سوریه را کمک نظامی کرد؛ اما آمریکا، دولت لبنان را از حمله نظامی این گروه در سوریه برای حمایت بشار اسد، مانع نگردید. چنانچه ایران و ملیشه‌های ایرانی از هیچ عملی در بازگراندن شام زیر کنترل و قیادت بشار اسد -مزدور آمریکا- با همکاری و مشارکت ترکیه، روسیه و سعودی دست‌بردار نشد. اگرچه در سردادن شعار و بیانیه‌ها در ظاهر باهم فرق دارند؛ ولی همه در هدف آمریکا روان استند. چنانچه رابطه حوثی‌ها با ایران از آفتاب هم روشن‌تر است؛ طوری که آمریکا، توسط ایران حوثی‌ها را کمک تسلیحاتی و آموزش نظامی کرد تا بتوانند به زور جنگ امور یمن را کنترل نمایند؛ چون آمریکا می‌داند که اکثر رجال اطراف سیاست، ساخته انگلیس می‌باشد.

انسان‌های آگاه، دنبال‌کنندگان اوضاع سیاسی و مخلصین اسلام و امت می‌دانند که این نظام‌ها قاتل اسلام‌اند که تحت پوشش اسلام خود را پنهان کرده و با رفع شعارهای میان‌تهی و آتشین، عقول انسان‌های نا آگاه را فریب می‌دهند. واقعیت ملموس نشان می‌دهند که آن‌ها در خدمت کفار قرار دارند، هرکدام شعار آزادی فلسطین را سر می‌دهند؛ ولی از بدو تأسیس به ضد فلسطین رزمیده‌اند.

برعکس آن دو، دولت مبدئی که نشر مبدءاش را بد گرفته است، هیچ امر امت را فراموش نخواهد کرد؛ چون خوب می‌داند که بقاء و داوم خودش در بقاء و دوام مبدءاش نهفته است. ازین رو، دولت مبدئی همیشه خطوط و اسالیبی را اتخاذ می‌نماید تا در تمام عرصه‌ها رهبر و بزرگ دنیا باشد؛ چه در عرصه نظامی و چه در عرصه اقتصادی و حتی در عرصه آموزش و ساینس. هیچ‌گاهی نمی‌پذیرد که در میدان جهانی مقام دوم داشته باشد تا ترس و وحشت‌اش در قلوب دشمنان اسلام که همیشه در پی نابودی آن هستند وجود داشته باشد. بلکه گرویدن مردم به اسلام و خوب تطبیق شدن مبدء اسلام این امر را خواهان است که در صدر اول رهبری و پیش‌رفت باشد؛ چنان‌چه که در گذشته دولت خلافت اسلامی بود. دولت اسلامی در سیاست‌های خویش از هیچ دولتی پیروی نخواهد کرد و همیشه اسلام را در تمام نواحی زندگی، حکومت‌داری، اقتصاد، آموزشی و پرورش، سیاست داخلی و خارجی تطبیق خواهد کرد. این از حماقت فکری خواهد بود که تطبیق و دعوت اسلام را در امور عبادت‌های فردی، اعمال خیریه و برخی جزاها خلاصه کنیم؛ با وجودی که این امور، اجر عظیم و بزرگ دارند؛ اما پاره‌ای از مبدء بزرگ اسلام می‌باشند. خلاصه‌سازی اسلام در برخی از اجزای آن انحطاط و تحکیم نظام‌های مزدور را در پی دارد و جفای نابخشودنی و عقاب الله می‌باشد. پس آن گناه بزرگ را دعوت و تطبیق کلی اسلام مرفوع می‌دارد. این دعوت پیروز نمی‌گردد؛ مگر این‌که مطابق به منهج رسول الله صلی الله علیه وسلم که برگرفته شده از عقیده امت است به پیش رود تا قدرت امت را برایش برگرداند و خلافت راشده دوم را اقامه نماید. پس در آن وقت است که امت دوباره نهضت می‌یابد. در این میان جوانان حزب‌التحریر خود را وقف کارزار سیاسی برای تأسیس این دولت کرده‌اند و شبانه‌روزی شما را فرا می‌خوانند تا در رکاب آنان بپیوندید.

**نویسنده: علی القاضی - ولایه یمن**

**برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر**

**28 شعبان 1441 ه.ق.**

**21 اپریل 2020 م.**